

آل فرات

این خاندان از دولتمردان مشهور شیعه هستند که نزدیک به صد سال امور و مناصب حکومتی، از وزارت تا منشی گری و مسئولیت امور مالی در خلافت عباسی را در بغداد بر عهده داشتند.

شخصیت مشهور این خاندان ابوالحسن علی بن محمد بن موسی بن فرات و پس از او نواده برادرش جعفر یعنی ابوالفضل جعفر بن فضل بن جعفر بن محمد است که هر دو مدتها وزیر عباسیان بودند. درباره نیای این خاندان یعنی فرات و ارتباط سرشاخه های این نسل با فرات بن احنف و عمر بن فرات نمی توان اظهار نظر قطعی کرد.

احمد بن محمد (م ۲۹۱) متهم به ارتباط با نصیریه است. او مدتی امور دیوان در دولت معتمد (۲۷۹-) را بر عهده داشت اما در اواخر حکومت معتمد (به سال ۲۷۸) دستگیر شد و به زندان افتاد (تاریخ طبری: ۲۳/۱۰) اما به جهت شایستگی اش در امور دیوانی به سمت خود بازگشت. مهارت او تعجب همگان را بر می انگیزد؛ به طوری که از او ستایش ها کرده اند.

علی بن محمد بن موسی بن حسن بن فرات (م ۳۱۲) مشهورترین شخصیت سیاسی و دولتمرد خاندان فرات است که در مناصب دیوانی و چندین دوره وزارت شرکت داشت. در بیشتر مواردی که واژه ابن فرات مطلق آمده، مراد اوست. زندگی وی فراز و نشیب های فراوانی داشت، زیرا سه بار وزارت گرفت و سه بار عزل و زندانی شد و سرانجام او و فرزندش محسن را سر بریدند و جسدشان را به رودخانه انداختند. فضل بن جعفر بن محمد بن فرات نیز از وزرای بنی عباس است. مدتی وزیر مقتدر بود و با قتل او، وزارت فضل هم تمام شد. در عهد قاهر، مدتی ریاست دیوان داشت و در عهد راضی دوباره به وزارت رسید.

جعفر بن فضل معروف به ابن حنزابه وزیر دولت اخشیدی مصر بود. او محدث بود و در حالی که ذهبی متعصب، وی را توثیق کرده، ابن شهر آشوب از مؤلفان شیعه اش می داند.

محسن بن علی فرزند وزیرمشهور ابوالحسن علی است که پدر و پسر در سال ۳۱۲ همزمان کشته شدند. محسن که در کنار پدر امور دیوان را عهده دار بود، در دوره سوم وزارت پدرش از عده زیادی انتقام گرفت و اموال آنان را مصادره کرده، ایشان را بکشت.

ابوعیسی فرزند محمد بن موسی شخصیتی بزرگ و زاهد بود که مجاورت مکه را اتخاذ کرد (طبری: ۲۴۶/۱۱). دیگر فرزندان علی بن فرات که البته شهرتی ندارند، ولی گاه به خاطر مشکلات مربوط به این خاندان گرفتار بوده اند، عبارتند از: حسن، حسین، عبدالله، فضل، ابونصر. فضل،

دیوان مشرق را بر عهده داشت (طبری: ۳۶/۱۱). سه برادرش که همراه پدر در زندان بودند، آزاد شدند (۱۵۴/۸). از ابومحمد فضل، ابوجعفر محمد و فراتفرزندان احمد بن محمد اطلاعی در دست نیست. از نسل فضلفرزندی به نام علی شهرت دارد که روزگاری امام جامع دمشق بود (تاریخ الاسلام ذهبی: ۱۳۵/۳۰). ابوالحسن محمد و ابوالقاسم عبیدالله فرزندان عباس بن احمد جزء محدثان به شمار رفته و نزد اهل سنت توثیق شده اند (تاریخ بغداد: ۳۳۸/۳، ۳۵۸/۱۰).

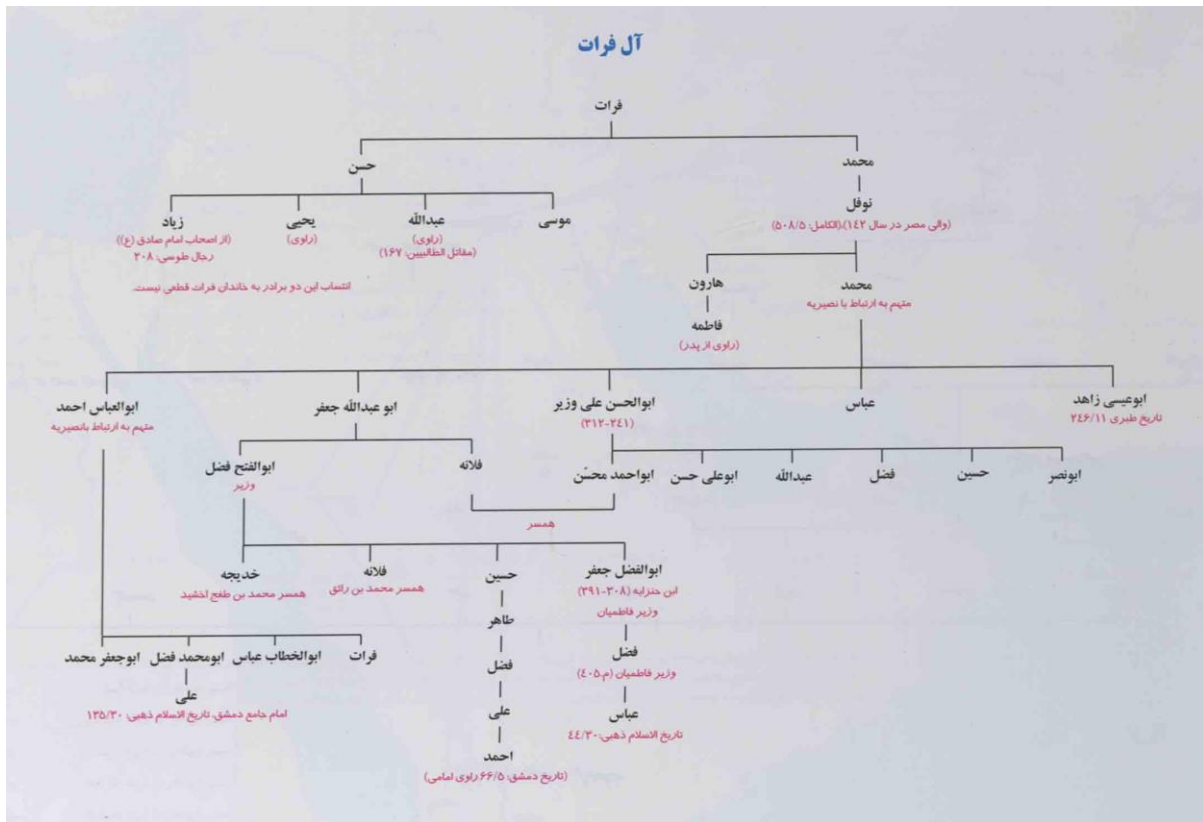
ابوالحسن سیدوک فرزند جعفر بن فضل بن جعفر بود که به دست حاکم فاطمی کشته شد. از نسل جعفر محدثان و مشاهیر دیگری وجود دارد؛ مانند عباس بن فضل (تاریخ الاسلام ذهبی: ۲۲/۳۰) و احمد بن علی بن فضل بن طاهر بن حسین بن جعفر. در منابع روایی شیعه از هارون بن موسی و دخترش فاطمه نیز یاد شده است.

قبایل عرب شیعه

در صدر اسلام، تحول در سیاست، مذهب و جغرافیای شهری بستگی به تحرک، انتقال و مهاجرت قبایل عربی داشت. این قبایل هرکدام در منطقه ای خاص در جزیره العرب زندگی می کردند و زمان ظهور اسلام همان طور که قریش و خزاعه در مکه یا ثقیف در طائف بودند، اوس و خزرج در یثرب، اسد و طی در نجد، تمیم و عبدالقیس و بکر بن وائل در یمامه و حاشیه های جنوبی خلیج فارس تا نزدیکی بصره می زیستند. قبایلی هم چون همدان و مذحج وکنده در جنوب جزیره العرب از یمن تا حَضْرَمُوت زندگی می کردند.

درست زمانی که باب فتوحات در عراق و شام آغاز شد، سیل مهاجرت قبایل عربی از جنوب و شمال و شرق آن به سمت جنوب عراق، شام و سپس مناطق دیگر آغاز گردید. شهرکوفه و بصره، به عنوان دو کمپ نظامی از محلاتی که اختصاص به قبایل مختلف داشت ساخته شد. این مهاجرت های گروهی از خانواده های چند ده نفره گرفته تا چند ده هزار نفره صورت می گرفت. زمانی که حمله تازه ای صورت می گرفت یا قرار بود از شهری که شورش کرده اند دفاع شود، سیل جمعیت بود که از یک یا چند قبیله از جزیره العرب به عراق یا از عراق به ایران به راه می افتاد.

محل نمودار آل فرات

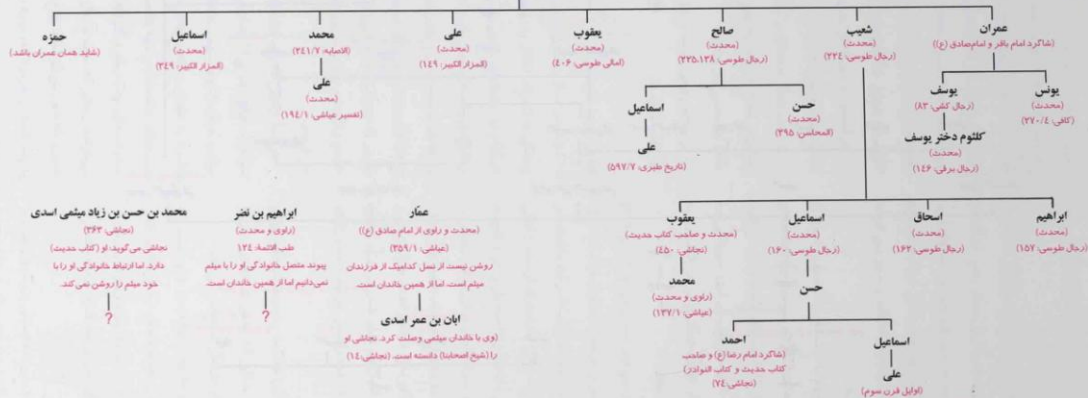


محل نمودار خاندان شیعی میثم تمار

خاندان شیعی میثم تمار

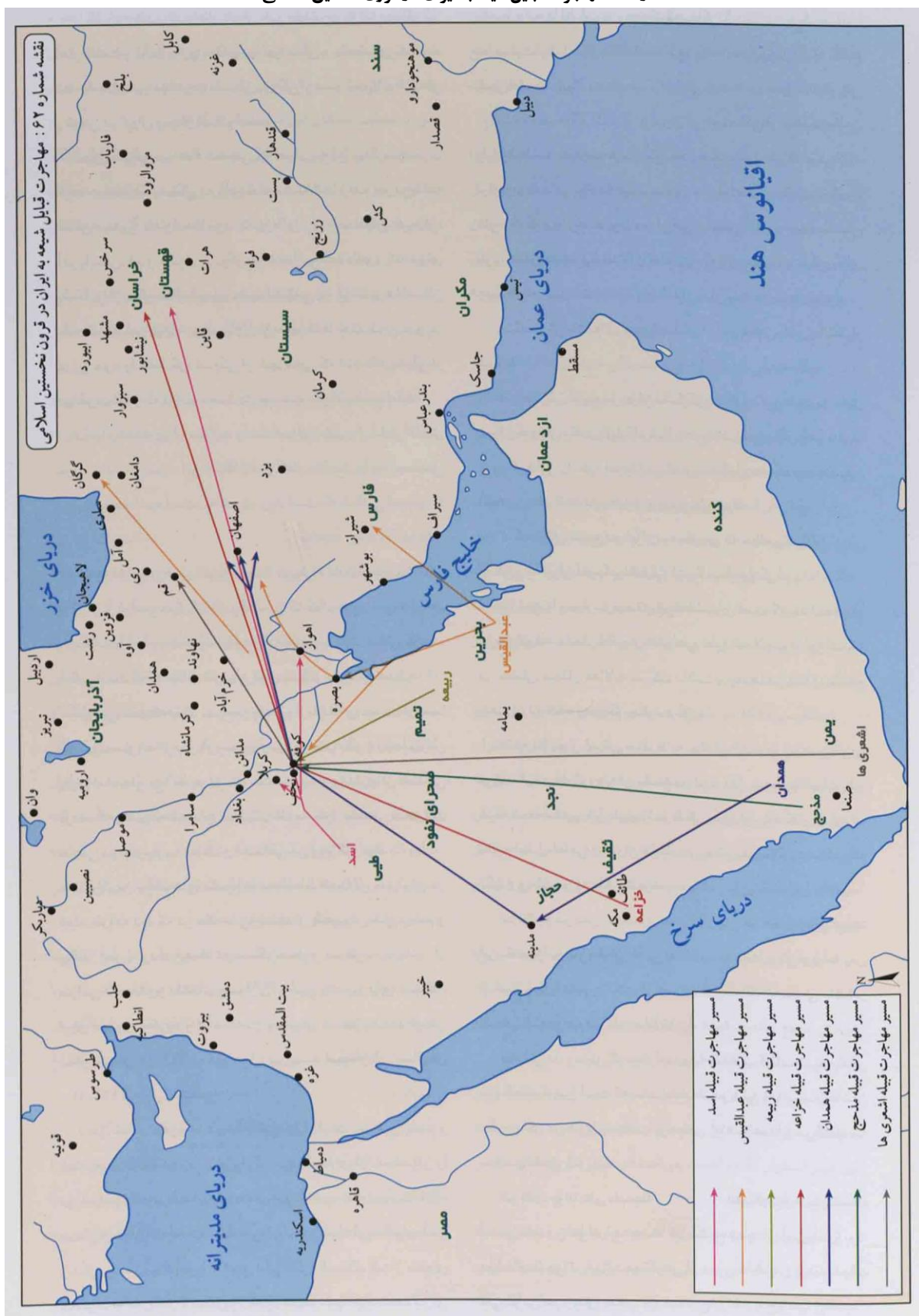
(قرن اول-سوم)

میثم بن یحیی تمار از اصحاب و شیعیان وفادار امام علی علیه‌السلام وی از موافقان قبیله می آمد بود و در کوفه می‌زیست وی تقریباً یک ماه پیش از رخداد عاشورا توسط عبیدالله بن زیاد در کوفه به شهادت رسید. نسل وی - چنان که در شهرنامه آمده - غالباً از محدثان و مؤلفان شیعه بودند. یکی از برجسته‌ترین چهره‌های آنان علی بن اسماعیل بن شعیب از متکلمان بام کوفه در اوایل قرن سوم است. این خاندان به میثمی شهرت داشتند.



در نجاشی آمده است: علی بن اسماعیل بن شعیب بن میثم بن یحیی تمار اما به نظر می‌رسد دو نفر از این نسب نامه افتاده است. وی از متکلمان برجسته شیعه در بصره و معاصر نظام مغربی بود. چندین کتاب دارد از جمله کتاب التمامیه کتاب مجلس هشتم بن حکم (نجاشی ۲۵۱)

نقشه شماره ۶۲: مهاجرت قبایل شیعه به ایران در قرون نخستین اسلامی



با گشوده شدن شهرهای ایران، این مهاجرت به این منطقه نیز آغاز گشت و تا دورترین نقاط در خراسان و سیستان کشیده شد. داستان این مهاجرت داستان بزرگی از سیر تحولات قبیله ای و قومی در ایران پس از اسلام است.

تحول مذهبی در همه مناطقی که اعراب به آن نقاط مهاجرت کرده بودند، هم بستگی به رأی حکومت داشت و هم مربوط به علائق مذهبی خانواده ها بود. شهرهای ری، اصفهان، همدان، آذربایجان، قم و بسیاری دیگر پر از اعرابی شده بود که برای پاسبانی از حکومت و آرمان جدید اسلامی در آن شهرها اسکان داده شدند. این قبایل در بسیاری از شهرها تا چند قرن هویت عربی خود را حفظ کردند. یکی از شهرهایی که اطلاعات دقیقی از مهاجرت قبایل به آن در دست داریم، شهر گرگان قدیم است.

در نام بسیاری از محلات و مساجد این شهر، اسامی قبایل عربی دیده می شود. این نام ها که در کتاب تاریخ جرجان سهمی از قرن پنجم آمده است، به قدری زیاد است که شگفتی انسان را بر می انگیزد.

تشیع در میان قبایل عربی ریشه عمیقی داشت و توسط آنان به ایران و نواحی دیگر انتقال یافت. این که کدام قبایل شیعه بودند و چگونه با مهاجرت خود تشیع را به نقاط مختلف منتقل کردند، مطلبی است که به لحاظ تاریخی قابل بحث و بررسی است.

طبیعی است که بنیاد تشیع بر پایه روال قبیله ای نیست. از قضا در مدینه منوره، از پس از رحلت رسول خدا (ص) نزدیکترین یاران امام علی (ع) مانند ابوذر، سلمان، عمار و مقداد از کسانی بودند که پشتوانه قبیله ای نداشتند؛ اما به طور طبیعی تحولات مذهبی در چارچوب ساختار اجتماعی آن روزگار بود.

کهن ترین ریشه های تشیع را به لحاظ قبیله ای می توان در قبیله خزاعه دید که در مکه می زیستند و همپیمان بنی هاشم و پیامبر (ص) بودند. بعدها در جنگ جمل و صفین، بسیاری از خزاعی ها حضور داشتند. بسیاری از آنان به شهرهای مختلف ایران مهاجرت کرده و از جمله در خراسان مستقر شدند. اینان نقش مهمی در انقلاب عباسیان بر ضد امویان در سالهای ۱۳۰-۱۳۲ هجری داشتند.

دعبل شاعر معروف شیعه از این طایفه است. در قرن پنجم و ششم در نیشابور، سبزوار و ری، شماری از خزاعیان را می شناسیم که در شمار چهره های سرشناس شیعه بودند. قبیله همدان از قبایل شیعه شناخته می شود. این قبیله از سالهای آخر زندگی رسول خدا (ص) با امام

علی علیه السلام که از سوی حضرت به یمن اعزام شده بود آشنا شدند. قبیله یاد شده برای فتوحات به عراق آمدند و در کوفه ساکن شدند. در جنگ صفین، به حمایت از امام علی علیه السلام برخاستند و پس از آن به تشیع شهره شدند. قبیله مذحج هم از قبایلی بود که در یمن با امام علی (ع) آشنا شد. مالک اشتر از رهبران آن قبیله یکی از برجسته ترین یاران امام در کوفه به شمار می رفت. قبیله ربیع که نه یمنی بلکه نزاری و شمالی بود در نبرد صفین حمایت شایسته ای از امام علی (ع) کرد و آن حضرت در ابیاتی از نقش آنان بسیار ستایش کرد. بخش عمده فرماندهان امام علی (ع) از یمنی ها و نزاری های ربیع ای بودند. تشیع در میان قبایل یمنی سه نتیجه داشت:

- ۱- گسترش تشیع در یمن که آثار آن در قرون پسین آشکار شد.
 - ۲- گسترش تشیع در عراق به مرکزیت کوفه. این شهر در طول دوران امویان یکسره پایگاه مبارزات ضد اموی بوده و بارها شورش هایی را علیه امویان در خود سامان داده بود. آخرین آنها در سال ۱۲۲ به رهبری زید بن علی بود.
 - ۳- گسترش تشیع در ایران؛ به طوری که مهاجرت قبایل یمنی از عراق به ایران سبب پراکندگی تشیع در ایران گردید.
- یک نمونه بسیار برجسته، قبیله اشعری است که شاخه ای از آن در کوفه، سخت جانبدار امام علی علیه السلام بود. این شاخه در جنبش مختار فعالانه شرکت داشت و بعدها در زمان حجاج راهی ایران شده و در قم سکونت گزید.
- تشیع در قم از اساس مربوط به خاندان اشعری است. یعقوبی نوشته است که گروهی از مذحج در قم ساکن شدند. بنابراین دو قبیله شیعه مذهب، این شهر را در شکل جدید آن پایه گذاری کردند. تشیع اصیل امامی در ایران در یک دوره تاریخی توسط مکتب قمنگهداری شده و به دیگر شهرهای مرکزی ایران گسترش یافت.
- اما تشیع در یمن محصول همین گرایش در قبایل یمنی است. ابن خلدون در باره قبایل یمنی با اشاره به همدان می نویسد: پس از اسلام گروه های زیادی از همدان در ممالک اسلامی منتشر شدند. کسانی هم در یمن ماندند.
- همدانی ها، زمانی که میان صحابه اختلاف افتاد، شیعه علی (ع) شدند. همین است که سبب شد امام علی (ع) درباره آنان بگوید: اگر من دربان بهشت بودم هر آینه به همدان می گفتم: به سلامت داخل شوید.

فلو كانت بؤابا على باب جنّة لقلت لهمدان ادخلوا بسلام

ابن خلدون می افزاید: بعدها نیز تشیع همچنان آیین آنان بود. دولت صلیحی در یمن دعوتگرانی از سوی فاطمیان بودند. دولت بنی الرس هم زیدی مذهب بودند (تاریخ ابن خلدون: ج ۲، ص: ۳۰۳).

باید توجه داشت که نسل های بعدی این خاندان ها و موالی آنان که زمان امام علی (ع) با صداقت از آن حضرت دفاع می کردند، به طور معمول شیعه می ماندند، گرچه ممکن بود امامی مذهب نباشند.

برای مثال سعید بن قیس همدانی از رهبران سپاه امام علی (ع) در صفین و بعدها حامی امام حسن علیه السلام بود. چندین نسل بعد از وی، فردی با نام احمد بن محمد بن سعید بن عبدالرحمان بن زیاد بن عبدالله بن زیاد بن عجلان از موالی عبدالرحمان بن سعید بن قیس همدانی را می شناسیم که از علمای برجسته شیعه و صاحب آثار علمی فراوان است (نجاشی: ۴۹).

از دیگر قبایلی که به تشیع دلبستگی فراوان داشتند قبیله عبدالقیس است. این قبیله با شاخه های فرعی آن از گروه هایی است که در گسترش تشیع در ایران و عراق به خصوص شهر بصره و منطقه بحرین نقش فعالی داشتند.

آنان پیش از اسلام در بحرین و قطیف و احساء می زیستند. در جریان فتوحات، به سمت بصره آمده و در جریان جنگ جمل جانب امام علی علیه السلام را گرفته و شهدای زیادی دادند. صعصعه بن صوحان از سخنوران معروف عرب از همین طایفه بود که برادرش زید بن صوحان هم در کنار امام علی (ع) و در جنگ به شهادت رسید.

عبدالقیسی ها که در تاریخ به عبدی شهرت داشتند، در شهر مدائن ساکن شده و این شهر را از قدیمی ترین روزگار به عنوان یک شهر شیعی در آوردند. بعدها گروه های زیادی از آنان به شهرهای مختلف ایران از جمله اصفهان و قزوین آمدند. خاندان ابودلف نیز که در کرج قدیم در منطقه فراهان و بخشی از مناطق مرکزی ایران حکمرانی داشتند، خاندانی متمایل به تشیع و امام علی علیه السلام بودند.

قبایل دیگری هم بودند که در کوفه، به حمایت از امام علی (ع) برخاسته و بعدها غالب آنان، یا دست کم بسیاری از ایشان هوادار تشیع ماندند. قبیله طیّ از آن جمله بود و عدیّ بن حاتم طائی از رهبران این طایفه از زمره شیعیان بود.

قبیله بنی اسد هم از جمله قبایل شیعه بود. این قبیله که در منطقه ای حدّ فاصل عراق و حجاز و نجد می زیست، تشیع را در این دیار استوار نگاه داشت. بنی اسد در طول تاریخ نقش مهمی در تشیع عراق داشتند.

از میان چهره های برجسته شیعه، در بغداد، نجف و حلّه کسان زیادی را از بنی اسد می شناسیم. یکی از آنان ابوالعباس نجاشی اسدی (م ۴۵۰) نویسنده کتاب معروف «رجال» است که اثری مهم در تاریخ شیعه و در جهت نشان دادن شیعیان در علوم اسلامی به شمار می آید. مهاجران اسدی در ایران به خصوص شرق ایران بر تشیع استوار بودند و بعدها در دوره صفوی مورد حمایت شاهان این سلسله قرار گرفتند.

معنای این شرح و بسط این نیست که در میان قبایل دیگر تشیع وجود نداشته است. ما شیعیان زیادی را از قبایل مختلف عربی می شناسیم که نام آنان در زمره نویسندگان و محدثان شیعه در رجال نجاشی آمده است.

حضور تشیع در میان قبایل عربی پیشگفته نظریه های اشتباه و بی پایه ای را که منشأ تشیع را افکار غیر عربی می داند از اساس باطل می کند.

مهاجرت سادات به بسیاری از شهرهای اسلامی، یکی از عوامل اصلی رواج تشیع به شمار می آید. ما در جاهای دیگری به مناسبت از این مهاجرت ها سخن گفته ایم.